

هشت واقعیت نگران کننده در مورد حمله پوتین به اوکراین

امریکا و متحدان آن کشور باید بینش بازی در این مورد داشته باشند: تاثیرات دامنه دار اقتصادی و سیاسی ناشی از جنگ اوکراین چه می‌تواند باشد؟
#۴۷

به گزارش سایت خبری پرسون، رابرت راییش؛ وزیر سابق کار ایالات متحده و استاد سیاستگذاری عمومی در دانشگاه کالیفرنیا در یادداشتی نوشت: ما باید برای مهار تجاوز "ولادیمیر پوتین" رئیس جمهوری روسیه در اوکراین هر کاری که می‌توانیم انجام دهیم. با این وجود، ما باید در مورد آن شفافیت داشته باشیم و با هزینه‌ها روبرو شویم. اقتصاد را نمی‌توان از تاریخ و سیاست جدا ساخت.

در اینجا هشت واقعیت نگران کننده وجود دارند:

۱- آیا تحریم‌های اقتصادی در حال اجرا مانع از تلاش پوتین برای تسلط بر تمام اوکراین می‌شوند؟ خیر. تحریم‌ها معاملات مالی جهانی روسیه را پیچیده‌تر خواهند کرد، اما اقتصاد روسیه را فلج نمی‌سازند.

پس از این که روسیه شبه جزیره کریمه اوکراین را در سال ۲۰۱۴ به خاک خود ضمیمه کرد ایالات متحده و متحدان آن کشور تحریم‌های اقتصادی اعمال کردند که به طور موقت روند رشد اقتصاد روسیه را کند کرد.

با این وجود، روسیه به زودی و بار دیگر بازگشت. از آن زمان به این سو، روسیه اقداماتی را برای کاهش اتکای خود به بدهی و سرمایه گذاری خارجی انجام داده است. این بدان معناست که تحریم‌های مشابه تاثیر کمتری بر اقتصاد روسیه خواهند داشت.

علاوه بر این، افزایش استفاده از ارزهای دیجیتال و سایر دارایی‌های دیجیتال به روسیه اجازه می‌دهد تا نقل و انتقالات بانکی را که تحت کنترل تحریم‌ها هستند دور بزند. به طور خلاصه آن که تحریم‌های اعمال شده یا تهدید مطرح شده درباره اعمال تحریم می‌تواند باعث کاهش تولید ناخالص داخلی روسیه تنها به میزان چند درصد شود.

۲- چه نوع تحریم‌هایی به روسیه آسیب جدی می‌سازند؟ تحریم‌ها بر صادرات عظیم نفت و گاز روسیه می‌تواند آسیب قابل توجهی برای آن کشور به همراه داشته باشد. روسیه روزانه ۱۰ میلیون بشکه نفت تولید می‌کند که حدود ۱۰ درصد تقاضای جهانی است.

این کشور در رتبه سوم تولید نفت جهان (پس از ایالات متحده و عربستان سعودی) قرار دارد. طبق گزارش اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده، روسیه در زمینه گاز طبیعی (پس از ایالات متحده) در رتبه دوم قرار دارد. پس چرا آن عرصه‌ها را تحریم نمی‌کنیم؟

زیرا این امر به طور جدی به مصرف کنندگان در اروپا و ایالات متحده آسیب می‌رساند و افزایش قیمت انرژی و بدتر شدن وضعیت تورم (اکنون در ایالات متحده سالانه ۷.۵ درصد است که بالاترین نرخ در ۴۰ سال گذشته محسوب می‌شود) را به دنبال خواهد داشت.

اگرچه ایالات متحده نفت گاز طبیعی روسیه را به میزان بسیار کمی وارد می‌کند با این حال، بازارهای نفت و گاز طبیعی جهانی هستند و این بدان معناست که کمبودهایی که باعث افزایش قیمت در برخی از نقاط جهان می‌شوند اثرات مشابهی را در نقاط دیگر خواهند داشت.

قیمت نفت در ایالات متحده در حال حاضر به ۱۰۰ دلار در هر بشکه نزدیک شده است که در مقایسه با ۶۵ دلار در سال گذشته افزایشی قابل توجه بوده است.

طبق گزارش AAA، قیمت گاز در پمپ بنزین‌های امریکا به طور متوسط ۳.۵۳ دلار برای هر گالن است. برای اکثر شهروندان امریکایی این قیمت بنزین مهم‌ترین شاخص تورم است نه تنها به این دلیل که آنان برای حمل و نقل با خودرو به بنزین نیاز دارند بلکه به این دلیل که هزینه آن در خارج از هر پمپ بنزین در امریکا افزایش یافته است.

با این وجود، بزرگترین ذینفعان این افزایش قیمت شرکت‌های انرژی مانند هالبرتون، اوکسیدنتال پترولیوم و شلمبرگر خواهند بود. آیا کسی طرفدار اعمال مالیات بر سود بادآورده بر این شرکت‌ها است؟

۳- آیا تحریم‌های قوی‌تر کنترل پوتین بر روسیه را تضعیف می‌کند؟ احتمالا. اما تحریم‌ها هم چنین می‌توانند تاثیر معکوس داشته باشند و پوتین را قادر می‌سازند تا به سوء ظن روسیه نسبت به غرب دامن زده و حتی ناسیونالیسم (ملی گرایی) روسی را تحریک و تقویت کند.

سخت‌ترین اقدامات ایالات متحده باعث می‌شود که شهروندان معمولی روس قیمت‌های بالاتری را برای غذا و پوشاک بپردازند یا به دلیل سقوط روبل یا

بازارهای روسیه ارزش حقوق بازنشستگی و پس‌انداز آنان کاهش یابد. اما این ممکن است به عنوان هزینه‌های ضروری تلقی شود که روس‌ها را دور پوتین جمع می‌کند.

۴- پیامدهای دیگر برای سیاست خارجی که باید مراقب آن باشیم چه خواهند بود؟ در یک کلام: چین. نگرانی روسیه در مورد غرب پیش‌تر به نزدیکی آن کشور به چین منجر شده است. اتحاد قوی بین دو قدرتمندترین خودکامه جهان می‌تواند نگران‌کننده باشد.

۵- در مورد سیاست داخلی اینجا در ایالات متحده چه تاثیری را شاهد خواهیم بود؟ بحران‌های سیاست خارجی معمولاً سیاست داخلی را از سرفصل اخبار خارج می‌سازند و جنبش‌های اصلاحی را تضعیف می‌کنند.

تجاوز پوتین به اوکراین پیش‌تر گفتگوها را در آمریکا در مورد حق رای، اصلاحات فلیپاستر و بهبود زیرساخت‌ها دست کم در حال حاضر به حاشیه رانده و کمرنگ ساخته است. اگر جنگ به مقیاسی گسترده برسد اصلاحات را از بین خواهد برد. جنگ جهانی اول دوران پیشرفت و ترقی را متوقف کرد.

۶- جنگ و تهدید به جنگ هم چنین هزینه‌های نظامی عظیم و بوروکراسی‌های نظامی عظیم را مشروع می‌سازد. آمریکا در حال حاضر ۷۷۶ میلیارد دلار در سال برای ارتش هزینه می‌کند هزینه‌ای بیش‌تر از ده قدرت بزرگ نظامی بعدی (از جمله روسیه و چین) در کنار یکدیگر.

جنگ هم چنین سودهای کلانی را برای شرکت‌های بزرگ در صنایع نظامی و دفاعی به ارمغان خواهد آورد. هم چنین، احتمال روز جنگ افکار عمومی را از شکست‌های رخ داده در عرصه سیاست داخلی منحرف می‌سازد.